

## دو زیستان حزب باد



علی مسعودی  
نویسنده

دوگانگی و دورویی مسئولان و رسانه‌های دولتی، وضعیت عجیبی را رقم زده است. روندی که طی آن بابت استفاده از بازی و جذب مخاطب، حاضر است به هر دری بزند تا افراد را از هویت‌شان تهی کند، دست به مصادره‌شان بزند و تبدیل‌شان کند به موجودی دگرذیبی یافته که کاملاً از چیزی که بوده، ماهیت و حیثیت و هویتی که داشته تهی شود. چرا؟ چون خود این رسانه‌ها قادر به تولید چهره نیستند. کمین می‌کنند تا شکاری به تورشان بخورد از فضای مجازی و عام‌ترین و نازل‌ترین سطح علائق و سلاطین و بعد، طرف را به دام می‌اندازند و در موردش عکس، گزارش و تیتراژ می‌سازند و در کنگره تلویزیون برایش جای ویژه‌ای باز می‌کنند. اصلاً هم به روی مبارک نمی‌آوردند که هویت و جایگاه آن فرد قبلیش چه و کجا بوده و خاستگاهش ریشه در چه مسئله‌ای داشته است.

نمونه اخیرش همین فرد محترمی که اول در فضای مجازی و بعد در شبکه نسیم، بدل شد به یک کم‌دین بازارپسند، بله همین که تکیه کلامش - «جدی می‌فرمایید؟ پس ما اینا رو از کجا آوردیم؟» - این روزها دستمایه انواع و اقسام شوخی‌ها و میم‌های فضای مجازی شده است. اینکه ایشان حالا خودش با شخصیت و هویت جدیدش حال کرده و حاضر است به هر قیمتی دیده شود، یک انتخاب فردی است. اما آیا خود سیمای این مملکت به این فکر نمی‌کند که چند روز قبلیش، طرف را آورده در مقام کارشناس، آن ورزشی و اجتماعی سالیان اخیر - یعنی حضور بانوان در استادیوم‌های فوتبال - یا یکی از اهالی کهنه کار مدیریت ورزشی مناظره جدی داشته باشد؟ بعد تا کار طرف گرفته و بریده‌های ویدئویی او در فضای مجازی دست‌به‌دست می‌شود، نه در مقام کارشناس، که در مقام یک شخصیت کمیک، دعوتش می‌کند تا بلکه بیننده‌ای جذب کند. تازه وامی‌دارش که کرامات بیشتری از خودش نشان دهد و بنوعی حتی دست انداخته شود. انگار نه انگار که او چند روز قبلیش یک کارشناس ارزشی مدافع آرای بخش عمده‌ای از اصول گرایان و شهروندان سنتی و مذهبی بوده است و واقعاً پرسش بزرگ در باب چنین کارشناسانی که این گونه دگرذیبی می‌یابند چه می‌تواند باشد جز: «اینارو از کجا آوردید؟»

چنین است که در چنین رویکردی تأیید صلاحیت «ایرج ملکی» می‌شود گواهی بر نظرات بی‌عرض بر صلاحیت نامزدان انتخابات و مصداقی از رویکرد دموکراتیک و خیرگزاری‌های رسمی با او مصاحبه اختصاصی می‌گیرند. اگر رأی می‌آورد، بعید نبود همین شبکه سه که زمانی او و بازیگر فیلم‌هایش را دعوت کرد تا دست‌شان ببندد، در یکی از مناظره‌های سیاسی یا برنامه‌های خبری دعوتش کند تا مثلاً در مورد آینده برجام یا لایحه حجاب نظر بدهد. چنین است که امثال «صادق یوقی»، طرف سه روز ناگزیر می‌شوند صد چهره از خود به نمایش بگذارند و از قهرمان شادی‌بخش مردم کوی و بازار، ابتدا انگ شکننده ارزش‌های فرهنگی بخورند و بابت تولید محتوای مجرمانه تهدید شوند به بگیر و ببند و دو شب بعدش، بیاینکه در برنامه ویژه یلدا و روزنامه ارزش مدار شهرداری، با تیتراژ درشت (در حد تیتراژ «شاه رفت») به عنوان قهرمان ملی و قاتل ابتدالی «سالیان مانکن» معرفی‌شان کنند. البته این دگرذیبی‌ها مدل دیگری هم دارد؛ طرد و انکار. مثال آخرش سوپرستار محبوب سالیان اخیر سیمیا، آقای «رافتی پور» که مدتی است بابت گل به خودی، رنگ جام‌چم را ندیده است. چرا راه دور برویم اصلاً؟ همین «امیر تلسو» که این روزها دادگامش آغاز شده را که در دوران انتخابات ۹۶ به یاد داریم. کاری نداریم که او حالا به چه جرمی بازداشت شده است، اما همه می‌دانیم که هر چه بوده، همان سال هم بوده؛ یعنی فرق چندانی نکرده از منظر رفتار، کردار، گفتار و آثار.

تعرف که نداریم. این رفتار مصداق مسلکی است که رنگی‌ها «اپورتونسیسم» می‌نامندش و ما ایرانی‌ها پیش می‌گوییم «حزب باد». مانیفست این مسلک منفعت فردی یا گروهی خاص است که طی آن تغییر معیارهای تبلیغ شده اولیه کاملاً مجاز است. اخلاق در آن جای ندارد و هدف، وسیله را توجیه می‌کند و هنجارهای سیال و متزلزل و بی‌حساب و کتاب می‌شوند. به این ترتیب رفتارهای این گروه، ارزش‌ها و ضد ارزش‌هایشان، معیارهای سیاسی و فرهنگی‌شان، همه‌وهمه آشفته و غیرقابل پیش‌بینی می‌شود. نگاه آن‌ها به چهره‌ها و نیروی انسانی نیز تابع همین رویکرد است. به سادگی حاضرند برای منفعتی خرد یا کلان، انسانی را دگرذیب کنند و به روی خودش بیاورند که پیش از این که بوده، چه می‌کرده و نداشتن چه جایگاهی داشته است.

• صاحب امتیاز و مدیرمسئول: غلامحسین کرباسچی • مشاوران: عباس عبدی و احمد زیدآبادی • سردبیر: محمد جواد روح • سردبیر آنلاین: افشین امیرشاهی • معاون سردبیر: مهرداد خدیری • دبیران گروه‌ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد)، آرمین منتظری (دیپلماسی و بین‌الملل)، علی ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه متقی (سیاست)، الهه ابراهیمی (خبر)، آرش خاموشی (عکس)، هادی حیدری (طرح و کاریکاتور)، مدیر هنری: مهدی قربانی تبار • حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی • مدیر اداری و آگهی‌ها: شاهرخ حیدری • تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۴۹۳۰۰ • تحریریه: ۸۸۷۳۰۲۹۱ • آگهی‌ها: ۸۸۷۳۵۲۰۷ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸، لیتوگرافی و چاپ: هم‌مین • توزیع: نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۹۱۳۰۴۱۴۲



## نوبت تسخیر صحنه

## گزارشی از حاشیه‌های حضور دو اینفلوئنسر در تئاتر



رضا صائمی  
خبرنامه گروه فرهنگ

در سال‌های اخیر همواره سخن بر سر بسط ابتدال و بلاهت در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی از طریق ظهور سلبریتی‌های مجازی و به اصطلاح شاخ‌های اینستاگرامی بود، اما حالا برخی از آنها به فضایی واقعی و حتی ساحت هنر هم وارد شده و پا در سن و صحنه تئاتر هم گذاشته‌اند که در روزهای اخیر با واکنش‌های تند و معترضانه از سوی هنرمندان و اهالی فرهنگ و هنر در پیرو شد. ماجرا به حضور دو نفر از این به اصطلاح شاخ‌های اینستاگرامی در نمایشنامه خوانی «آدم‌خوارها» مربوط بود که داد خیلی‌ها را درآورده و از مخاطبان جدی این هنر گرفته تا بازیگران معروف را به واکنش در رابطه با این مسئله واداشته است. البته حضور شاخ‌های مجازی و اینفلوئنسر‌ها در فضاهای رسانه‌ای یا هنرهای نمایشی از یکی، دو سال اخیر شدت بیشتری گرفته است، به‌ویژه با گسترش اینستاگرام که ماهیتی تصویری و ویدئویی دارد، این حضور پررنگ‌تر هم شده. این افراد به دلیل استفاده روزافزون از تکنولوژی به‌خوبی در میان علاقه‌مندان به این فضا شناخته شده‌اند و به دلیل هواداران یا به اصطلاح فالوئرهای بالایی که دارند، موجب شده تا برخی تهیه‌کنندگان و سرمایه‌گذاران آثار نمایشی از این فرصت برای جذب مخاطب بیشتر و بالطبع فروش و سود بیشتر بهره ببرند و در واقع به سودآوری در حوزه فرهنگ و هنر دست بزنند. حالا بساط ابتدال همچون غده سرطانی در حال گسترش به ساحت‌های هنری است و این مسئله بسیاری از اهالی فرهیخته فرهنگ و هنر را، هم عصبانی و هم نگران منزلت و جایگاه هنر کرده است.

## از فضای مجازی تا دنیای بازیگری

شبکه‌های اجتماعی، فرصت و مجال بسیاری از افراد برای دست یافتن به شهرت مجازی شد. از امپراطور کوژکو بگیرید که دختری بود بدون اینکه چهره‌اش دیده شود، قصه‌های شاهنامه را با اغراق و غلو تعریف می‌کرد و با لهجه و بیان طنزی که به آن اضافه می‌کرد، مشهور و به جنگ‌های شادی دعوت شد یا جواد خواجوی که با دوبله‌های طنزناز با لهجه مشهدی در سریال «سرباز» بازی کرد. همچنین علی صبوری که ابتدا به برنامه «خندوانه» راه یافت و بعد به جرگه بازیگران پیوست و قرارداد ۱۰ ساله‌ای را با صد اوسیمیا امضاء کرد. محمدامین کریم‌پور هم یکی دیگر از این چهره‌ها بود که مجوز ساخت فیلم را گرفت و در فضای مجازی به قلمرو کارگردانی پا گذاشت. انتشار خبر کارگردانی او با انتقادهایی در فضای مجازی همراه شده بود، به‌ویژه دانشجویان این حوزه معترض شدند که در جایی که بسیاری از دانش‌آموختگان رشته سینما نمی‌توانند فیلم‌شان را بسازند چطور از یک فعال مجازی برای ورود به این حوزه حمایت می‌شود و پروانه ساخت فیلم «حکم تجدیدنظر» به کارگردانی محمدامین کریم‌پور در جلسه شورای صدور پروانه ساخت، صادر می‌شود. مهسا ایرانیان هم به لطف فضای مجازی توانست استندآپ کمدی‌هایش را ادامه بدهد و برای خودش شهرتی دست‌وپا کند. او بعد از «خندوانه»، اجرای «ویتامین خ» در شبکه نسیم را برعهده گرفت، بعدش هم راوی مسابقه «خانواده باحال» بود و به‌تازگی هم مجری برنامه «هر خط‌شو» شبکه ۵ است. سهیل مستجابیان، یکی دیگر از چهره‌های معروف اینستاگرام است که به دنیای بازیگری راه یافته است اما تفاوت‌هایی میان او و دیگر شاخ‌های اینستاگرام وجود دارد.

این چهره جوان، سابقه‌ای طولانی‌تر در دنیای بازیگری دارد و به گفته خودش به دلیل علاقه‌ای که به بازیگری داشت، از ۱۹ سالگی با تشکیل یک گروه تئاتر، به دنیای هنر ورود کرد و برای بازی در نمایشی به نام «اتوپیا» مشکوک، جایزه اول بازیگری استان را دریافت کرد و سال ۸۷ برای بازی در نمایش «بگرد تا بگردم»، در جشنواره دانشجویی جایزه دوم بازیگری کشور را به‌صورت مشترک با نوید محمدزاده دریافت کرد و در فیلم «بی‌حسی

موضوعی» مقابل دوربین رفت، اما اغلب مردم او را با کارهای اینستاگرامی و ساخت دابسمش‌هایش می‌شناسند. به نظر می‌رسد این روند همچنان ادامه خواهد داشت، به‌ویژه صداوسیما که با کمبود چهره‌های شاخص هنری و محبوب از یک‌سو و کاهش مخاطب از سوی دیگر مواجه است، به حضور چنین افرادی چنگ بزند تا بحران‌های خود را حل کند؛ غافل از اینکه به بحران‌های جدید و جدی‌تری دامن می‌زند.

## واکنش هنرمندان به ابتدال یک حضور

حضور چند بلاگر اینستاگرامی در تئاتر با عنوان نمایشنامه خوانی «آدم‌خوارها»، موجب بروز واکنش و انتقاد شدید هنرمندان این عرصه شد. آنها معتقدند، صحنه تئاتر که هنرمندان آن را بسیار مقدس می‌دانند، با حضور افرادی آلوده شده که نه تنها درکی از هنر ندارند بلکه با هر ترفندی به دنبال دیده شدن و کسب درآمد خود هستند. شبنم مقدمی، بازیگر سینما، تلویزیون و تئاتر با انتشار یادداشتی در صفحه شخصی خود به این ماجرا واکنش تندی نشان داده و نوشته است: «حتماً صحنه تئاتر آرث پدري کسی نیست؛ اما جای هرکس و ناکسی هم روی آن نیست.» مقدمی در این باره نوشته است: «صحنه، حتماً آرث پدري هیچ کس نیست! اما پر واضح است جای هرکس و ناکسی روی صحنه نیست و نام هر لاطالاتی که بر سکوپی اجرا می‌شود، نمایش نیست! او ادامه می‌دهد: «تئاتر قداست نه، اما حرمت دارد! آبرو دارد، اصالت دارد. هیچ کس، احدی، صاحب تماشاخوانه شخصی یا هرکس که گمانش می‌رود صرف دوزارده‌شاهی پول ته جیبش سرمایه‌گذار تئاتر است یا هرآن کس که نمی‌دانیم به چه دلیل مجوز اجراهای این چنین سفیخ و بی‌محتوا را صادر می‌کند به هیچ بهانه، اعم از پول یا غیره اجازه بی‌احترامی به ساحت تئاتر و اهل آن را ندارد.» مقدمی سپس با تکیه بر اینکه باید بساط فضااحت، تحقیر و ابتدال از روی صحنه تئاتر برچیده شود، نوشته خود را اینطور ادامه داده است: «اهالی شریف تئاتر را نیاز زیاد بیش از این، کم غم ندارند که بار دلشان هم می‌شود. تمام کنید این نمک‌به‌زخم‌پاشیدن‌های مدام را.» در بند پایانی این نوشته آمده است: «چطور نوی چشم این همه جوان با استعداد قابل، که به خون دل و هزار هزینه درس خوانده‌اند، دوره و کلاس گذرانده‌اند، هزار امید در دل پرورنده‌اند، نگاه می‌کنید، در راه روی‌شان می‌بندید، به ریش‌شان می‌خندید و بعد این کارها را با این آدم‌ها، روی صحنه می‌فرستید؟ توضیح‌تان چیست؟ مسئولش کیست؟ یک نفر این افراط را گردن بگیرد.» همچنین نبوشا ضعیفی، دیگر بازیگر کشورمان در واکنش به این اتفاق نوشته است: «دارید با هنر و فرهنگ این کشور چه می‌کنید؟ صحنه تئاتر و خاک تئاتر، حرمت دارد و جای هر کسی نیست.» محمدرضا ایمانیان، از فعالان تئاتر نیز نوشته است: «روزگاری تصور می‌شد صحنه تئاتر به مانند گلاب بندبازان باعث می‌شود بی‌هنران را راهی به ساحت ارزشمند تئاتر نباشد، اما هزار افسوس که این هیولای تپاچه پول، چه وحشیانه تمام ارزش‌ها و شرافت تئاتر را برای خود می‌بلعد. روزگاری تئاتر، اعتبار و شرف داشت. حال بوی تعفن، مشام‌ها را آقدر پر کرده که دیگر از بازار عطر فروشان نمی‌توان گذر کرد.» باید منتظر ماند و دید آیا مقامات به این امر واکنشی خواهند داشت و آیا اجرای این نمایش متوقف می‌شود؟

## بزرگ کرده‌ها جای بزرگان

واقعیت این است که امروزه عرصه فرهنگ و هنر به همان اندازه‌ای که برای بزرگان این عرصه به اصطلاح خاک‌خورده‌های صحنه و استخوان خرد کرده‌های آن تنگ شده، برای میانمایگانی که یک‌شبه و از طریق بلاهت در فضای مجازی به شهرت رسیده‌اند، گشاد است و حضور آنها شأن و منزلت هنر را دچار تنزل کرده است. درد اینجاست که حضور بلاگرهای مجازی در سینما و تئاتر کشور در حالی رخ می‌دهد که بسیاری از بازیگران نامند کشورمان خانه‌نشین هستند و در انتظار پیشنهادهای برای کار تا بتوانند از این طریق ارتزاق کنند یا بسیاری از بازیگران سرشناس و شاخصی که ممنوع‌الکار شدند. این وضعیت را صرفاً نمی‌توان محصول تقاضای مخاطبان و هواداران آنها دانست، سیاست‌گذاری‌های غلط موجب می‌شود تا به قول فردوسی، هنر خوار شود و جادویی از جمن.

## چهره

## مهناز ذکایی، دومین داور اتاق VAR دربی

روز گذشته در حاشیه مراسم بزرگداشت روز فوتبال زنان، مهدی تاج رسماً اعلام کرد که مهناز ذکایی به همراه مهسا قربانی، در «اتاق وار» برای قضاوت در دربی حضور خواهد داشت. پیش از این حضور مهسا قربانی در دربی قطعی شده بود اما حالا با اعلام تاج، ذکایی هم که برای قضاوت در مسابقات زیر ۲۰ آسیا در ازبکستان حضور دارد؛ برای قضاوت در دربی به ایران باز خواهد گشت. خانم ذکایی در مسابقات لیگ برتر فوتبال زنان ایران، همچنین مسابقات بین‌المللی تحت نظر کنفدراسیون فوتبال آسیا داوری می‌کند. او همچنین از سال ۲۰۱۸ در لیست داوران بین‌المللی فیفا قرار دارد. ذکایی به‌عنوان یکی از سه داور زن بین‌المللی فوتبال ایران، در مسابقاتی همچون قهرمانی زیر ۱۶ سال دختران آسیا و مقدماتی المپیک تابستانی قضاوت کرده است. ذکایی همچنین به‌عنوان داور وسط در مسابقات جام ملت‌های زنان آسیا ۲۰۲۲، داوری کرده است و در سال ۲۰۱۹ به دعوت فدراسیون فوتبال آلمان، در فستیوال بین‌المللی دیسکاور حضور پیدا کرد.



## کتابخانه

## روایت برهه کوتاهی از زندگی گوستاو فلوبر

رمان «پاییز فلوبر»، نوشته الکساندر بوستل با ترجمه ساناز ساعی دیپاور، در ۱۳۸ صفحه و با قیمت ۱۳۰ هزار تومان توسط نشر نی منتشر شده است. الکساندر بوستل، نویسنده فرانسوی با نوشتن رمان «پاییز فلوبر» در سال ۲۰۲۰، موفق به دریافت جایزه ادبی کاز شد که برای تجلیل از نویسندگان زیر ۴۰ سال به آن‌ها اهدا می‌شود. «پاییز فلوبر»، روایت برهه کوتاهی از زندگی گوستاو فلوبر، یکی از بزرگ‌ترین رمان‌نویسان قرن نوزدهم فرانسه است. گوستاو فلوبر در دسامبر ۱۸۲۱ در روتان فرانسه به دنیا آمد. او در ۲۲ سالگی شروع به تحصیل در رشته حقوق کرد، اما در آن دوران دچار حمله‌های عصبی شد. فلوبر مشکوک به بیماری صرع بود و همین بهانه‌ای شد تا از ادامه تحصیل در این رشته که به‌شدت از آن متنفر بود، صرف‌نظر کند و بدین ترتیب تمام وقت خود را صرف ادبیات کرد. فلوبر پس از مرگ پدر و خواهرش، در کروئاس (دهکده‌ای در نزدیکی شهر روتان) با مسافر و خواهرزاده‌اش کارولین زندگی می‌کرد و کم‌وبیش همه عمر خود را در همان جا گذراند.



## پاییز فلوبر

## نویسنده:

## الکساندر بوستل

## مترجم:

## ساناز ساعی دیپاور

## انتشارات: نی

## تاریخ

## آغاز انتشار بخارای شریف



بخارای شریف، نخستین روزنامه به زبان فارسی بود که در آسیای میانه منتشر شد. انتشار این روزنامه در روز دوشنبه ۲۰ اسفندماه ۱۲۹۰ در بخارا آغاز شد. بعد از تجزیه شوروی و استقلال جمهوری تاجیکستان، سالروز تأسیس این روزنامه به‌عنوان روز مطبوعات تاجیکستان اعلام شده است. در بخارای شریف بیشتر درباره موضوعاتی چون تعلیم علوم، ترویج معارف، گشایش و اصلاح مکاتب و مدارس، به‌سود امور کشاورزی، آبیاری، باغداری، دامپروری و ترقی اقتصادی، توجه به حقوق و وظایف حکومت و رعایا، اصلاح اداره امارت بخارا، مبارزه علیه جهل، خرافه‌پسندی و عادات ناپسند، به‌سود امور بهداشتی، پرورش زبان و ادب فارسی، رابطه دین و مذهب و وحدت جهان اسلام مطالبی چاپ می‌شد. بخارای شریف پس از نشر ۱۵۳ شماره در ۱۲ دی‌ماه ۱۲۹۱، با درخواست نمایندگی سیاسی روسیه تزاری و توافق امیر عالم‌خان، امیر بخارا تعطیل شد. این نشریه پس از فروپاشی شوروی، در سال ۱۳۷۰ شمسی دوباره شروع به کار کرد. این بار به‌جای الفبای فارسی، الفبای سیریلیک به کار رفت زیرا بسیاری از مردم دیگر الفبای فارسی را نمی‌دانستند. در سال ۱۳۸۲ این نشریه به‌دلیل سیاست‌های ازبک‌سازی دولت ازبکستان، دوباره تعطیل شد.